

جان کودکان را سیاست‌ها نجات می‌دهد، نه دلارها

پیشرفت و توسعه نه مشکلی اقتصادی است و نه مشکلی فنی، بلکه مشکلی سیاسی است و صنعت کمک‌رسانی اغلب سیاست‌ها را بدتر می‌کند

انگوس دیتون



استاد اقتصاد و روابط بین‌الملل در دانشگاه پرینستون و نویسنده کتاب «فرار بزرگ: سلامتی، ثروت و ریشه‌های نابرابری»

محبوب این کمک‌ها تبدیل شده است. در واقع او در حال پرورش بچه‌های رواندایی است، بهشان اجازه می‌دهد زنده بمانند و در عوض از شان می‌خواهد که از حکومت سرکوب‌گر و غیردموکراتیکش حمایت کنند. کمک‌های کلانی که وارد آفریقا می‌شود گاهی به نفع برندگان مورد نظرش کمک می‌رساند اما به ایجاد دیکتاتورها هم دامن می‌زند و بهشان ابزاری می‌دهد تا جای پایشان را محکم کنند و به خواسته‌ها و نیازهای مردمشان توجه نشان ندهند.

این صنعت چشمش را به روی این شواهد نبسته؛ در واقع بانک جهانی، نماینده‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا برای توسعه‌ی بین‌المللی، و هم‌تایان اروپایی‌اش از همان شواهدی بهره می‌برند که GiveWell از آنها استفاده می‌کند و به بیشتر شدن این شواهد هم کمک می‌کند. آن‌ها همین‌طور از سازمان‌های غیردولتی سازماندهی شده‌ترند و بودجه‌ی بیشتری دارند، در نتیجه اگر ممکن بود که با استفاده از این ملاک‌ها فقر جهانی را از میان برد، آن‌ها موقعیت بهتری برای این کار دارند تا چند نفر ثروتمند که از طریق سازمان‌های غیردولتی فعالیت می‌کنند. با این حال این نمایندگی‌های رسمی کمک‌رسانی نمی‌توانند وضعیت بغرنج سیاسی را حل کنند و باید بخشی از بار مسئولیت را به دوش دیکتاتورهای سرکوب‌گری بگذارند که آفریقا را به گند کشیده‌اند. من هم مانند سینگر این افتخار را دارم که مدرس پرینستون باشم. من هم دانشجویانی را می‌بینم که می‌خواهند رنج‌وسختی را از جهان پاک کنند. باید به داکای بنگلادش بروند یا داکار سنگال؟ بر پشه‌بندها تمرکز کنند یا کرم‌ها؟ من که می‌گویم به واشینگتن و لندن بروند و تلاش کنند جلوی صدمه‌هایی که کشورهای ثروتمند وارد می‌کنند را بگیرند، با تجارت اسلحه مخالفت کنند، جلوی معامله‌هایی را که فقط به شرکت‌های داروسازی سود می‌رساند بگیرند، با تعرفه‌های گمرکی حمایت‌گرایی که سرزندگی مزرعه‌داران آفریقایی را از بین می‌برد مخالفت کنند. و از بودجه‌ی بیشتر برای مطالعه روی بیماری‌های حاره‌ای و مراقبت‌های درمانی حمایت کنند. یا می‌توانند به آفریقا بروند و شهروند آنجا شوند و سرنوشت‌شان را با آن‌هایی که قصد کمک بهشان را دارند قسمت کنند. این طوری می‌توانند جان کودکان آفریقایی را نجات دهند.

این یک توهم است که گمان کنیم جان انسان‌ها را می‌شود مثل ماشین خرید و فروش کرد. اولین دلیلش این‌که شواهد این موضوع همیشه محل بحث بوده است. تاثیر گذاری نسبت داده شده به بنیاد کرم‌زدایی که در حال حاضر در فهرست خیریه‌های برتر GiveWell رتبه‌ی چهارم را دارد، در تضاد با گزارش مفصل بنیاد همکاری کوکران است، سازمانی که داده‌های تحقیقاتی بهداشتی و پزشکی را جمع‌آوری می‌کند. شاید اشتباه از کوکران باشد، اما احتمالش زیاد است که تاثیر گذاری کرم‌زدایی از منطقه‌ای به منطقه‌ی دیگر متفاوت باشد و به آب‌وهوا و ساز و کار منطقه‌ای برای از بین بردن ضایعات انسانی هم برمی‌گردد.

به‌طور کلی شواهد گسترش تاثیر گذاری و «جواب گرفتن» بیشتر از موج تازه‌ای از آزمایش‌هایی اتفاقی و الله‌بختی می‌آید که ثروتمندانی از کشورهای ثروتمند بر روی مردم فقیر کشورهای فقیر انجام می‌دهند و با استناد به آن‌ها فهرست قیمت جان کودکان را درست می‌کنند. چرا این آزمایش‌ها ممکن است اشتباه باشند؟ چون نتایج آنی این مداخله‌ها را در نظر می‌گیرند، نه بستری که به آن‌ها وارد می‌شوند. آن‌ها همچنین نمی‌توانند در مورد عواقب ناخواسته‌ی این مداخله‌ها اظهار نظری کنند.

هر قدر هم ناپذیرفتنی به نظر برسد اما این بچه‌ها به خاطر چند هزار دلار کمتر نیست که جانشان را از دست می‌دهند. اگر موضوع به این سادگی‌ها بود، تا حالا جهان جای خیلی بهتری شده بود. پیشرفت و توسعه نه مشکلی اقتصادی است و نه مشکلی فنی، بلکه مشکلی سیاسی است و صنعت کمک‌رسانی اغلب سیاست‌ها را بدتر می‌کند. آدم‌های از جان گذشته‌ای که خودشان را به خطر انداختند تا در همه‌گیر شدن اخیر بیماری ابولا کمک‌رسانی کنند، متوجه چیزی شدند که از مدت‌ها پیش مشکلی شناخته شده بود: این نبود پول نیست که دارد آدم‌ها را می‌کشد. مقرران اصلی نظام‌های بهداشت و سلامت بدون بودجه و برنامه‌ریزی اند که دولت به آنها توجهی نمی‌کند، همین‌طور عدم اطمینان دیرباز به دولت‌ها و خارجی‌ها، حتی وقتی مشورت‌هایشان درست است.

در روآندای امروز، رئیس‌جمهور پل کاگامه فهمیده که چطور از محاسبات نفع‌گرایانه‌ی سینگر علیه مردم خودش استفاده کند. او با به ارائه خدمات بهداشتی برای مادران و فرزندان روآندایی به یکی از نور چشمی‌های این صنعت و دریافت کننده‌ی

